هفته نامۀ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



فرا رسیدن سالروز فاجعۀ جانگداز کربلا و قیام شکوهمند امام حسین و یاران وفادارش را به همه مسلمانان و آزادگان تسلیت می گوییم

دور ششم – سال نهم – شمارۀ سی و نهم-۵جدی ۱۳۸۸ – ۹محرم الحرام ۱۴۳۱
26 December 2009

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت در بیست و پنجمین سالگرد شهادت استاد ذبیح الله شهید فرماندۀ عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بلخ:

تجلیل از ذبیح الله شهید، تجلیل از همۀ مجاهدین و مقاومت گران است



مداخله و فشار خارجیان در تشکیل کابینه اشتباه بزرگ است

***

مردم مقابله با تجاوز خارجی و مخالفت با استبداد داخلی را جزء باور و عقیدۀ خویش می دانند ص۳

اشاره:

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت در بیست و پنجمین سالگرد شهادت استاد ذبیح الله شهید فرماندۀ عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در شمال افغانستان که در شهر مزار شریف برگزار گردیده بود شرکت نمود و دراین مراسم سخنرانی کرد که متن کامل سخنرانی استاد دراین شماره نشر می شود.
همچنان دراین محفل استاد عطامحمدنور والی ولایت بلخ نیز سخنرانی کردند که سخنرانی استاد نور در شمارۀ بعدی به نشر خواهد رسید.



استاد عطامحمدنور والی بلخ:

- ✓ **استاد ذبیح الله مرد دیندار و متواضع و شجاع بود**
- ✓ **امنیت نیم بند واستقلالی که ما داریم، محصول قربانی های مجاهدین است**
- ✓ **من با افزایش نیروهای خارجی موافق نیستم، بلکه باید نیروهای موجود در تقویت نیروهای مسلح افغانستان تلاش کنند**

اعلان کابینه مردم را نا امید کرد

احمد مهدی



بالاخره پس از انتظار طولانی آقای کرزی لیست پشنهادی حکومت خویش را در آغاز هفته گذشته به مجلس نمایندگان تحویل داد. این لیست که پس از رایزنی های زیاد با خارجیان و گروه ها و شخصیت های موتلف صورت گرفت، گمان می شد، افرادی معرفی خواهند شد که بتوانند با چالش های کنونی بخوبی مقابله کنند و کشور را از حالتی که مایۀ نگرانی مردم است بیرون آورند. اما این کابینه امید های مردم را به یاس تبدیل نمود و نگرانی های زیاد را ایجاد کرد. تا کنون دلایلی زیادی براین نا امیدی مطرح گردیده است.

وزرایی جدید، مهره های اصلی حکومت های گذشته آقای کرزی می باشند.

نگاهی به لیست کابینه می رساند که همکاران اصلی آقای کرزی در حکومت های گذشته، همچنان پست های کلیدی را در حکومت آینده در اختیار خواهند داشت، وزرای دفاع، داخله، معارف، مالیه، اقتصاد، زراعت، فرهنگ که منابع اصلی قدرت در افغانستان می باشند هم چنان در دست همکاران و یا موتلفین اصلی آقای کرزی باقی خواهد ماند و ما شاهد تغییراتی در این ادارات نخواهیم بود.

شعارها و ادعا های عوام فریبانۀ که توسط این افراد عنوان می شود، نمی تواند برای مردم دلگرمی ایجاد کند، چون برخلاف آن شعار ها و ادعا ها، آن ها در گذشته بصورت قطع ناکام بودند، رشد بی سابقه فساد که کشور ما را در سطح جهان در جایگاه دومین حکومت فاسد دنیا قرار داد، مهمترین دلیل این ناکامی می باشد. همچنان کار کرد ضعیف حکومت که در سال جاری تنها توانسته است کمتر از ۵۰ در صد بودجه انکشافی خویش را به مصرف برساند، دلیل دیگر ناکامی حکومت است؛ وخیم تر شدن وضع امنیتی، گسترش فقر و بیکاری، تقلب گسترده درانتخابات و ده ها دلیل دیگر را می توان برای ناکامی حکومت های گذشته آقای کرزی عنوان کرد.

لازم بود آقای کرزی، افراد شایسته و راستکاری را برای حکومت آینده خویش پشنهاد می کرد و وزرای سابق به علت فساد وناکامی ، بجای ادامۀ کار باید مورد باز پرس قرار می گرفتند و مجازات می شدند، چنین کاری می توانست وزرای آینده را به خود بیاورد و آن ها را وادار کند تا از فساد جلوگیری نمایند و کار مناسب انجام دهند.

وزرایی پیشنهادی آقای کرزی تا هنوز فاقد طرحی برای اصلاحات هستند.

وزرایی پیشنهادی وی تا هنوز هیچ طرح امید وار کنندۀ برای اصلاحات، جلوگیری از فساد گسترده و ساختن یک حکومت مردمی و خدمتگزار ارائه نکرده اند.

برگزاری کنفرانس ملی مبارزه با فساد که دوهفته پیش انجام شد، ادامه درص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

فاعتبرو ایا اولی الابصار

اول و شش جدی روز های تاریخی در کشورماست

اول وششم جدی یاد آور رویدادهای تاریخی پراهمیتی در کشور ماست، شش جدی سالگرد تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به سرمین ما و اول جدی، روز انتقال قدرت از دولت اسلامی افغانستان به ادارهٔ موقت می باشد.

در شش جدی سال ۱۳۵۸ شوروی سابق جهت اشغال وحمایت ازیک رژیم مزدور وغیر مردمی،که با ارزش های دینی و فرهنگی و منافع مردم و جامعهٔ ما پایبندی نداشت و سرسپردهٔ بیگانگان بود، نیروهای خویش را وارد کشورکرد و در جریان هشت سالی که در اینجا حضور داشت ، دست به جنایت های بزرگ و هولناکی زد و مصیبت های فراوانی را ببار آورد؛ بر اثر تجاوز اتحاد شوروی صدها هزار هموطن مسلمان ما شهید شد و شمار فراوان دیگر معلول و زخمی گردید و میلیون ها شهروند ، خانه وهست و بود خویش را گذاشتند و به پاکستان و ایران و کشورهای دیگر آواره گردیدند.

با آن که دشمن یکی از ابر قدرت های جهان بود و امکانات فراوانی در اختیار داشت و در مقابل، مردم ما فاقد امکانات اندک نظامی و اقتصادی بودند. اما سرانجام دشمن متجاوز در برابر مردم مسلمان و مظلوم افغانستان به زانو در آمد و سرافگنده از خاک ما بیرون رفت.

تجاوز اتحاد شوروی و شکست این ابر قدرت اشغالگر، درس های زیادی بجا گذاشت که جای دارد امروز مورد توجه قرار گیرد و در یافتن راه حلی پایدار برای بحران و جنگ که اکنون هم از مردم ما قربانی می گیرد، استفاده شود.

کشورهای خارجی که اکنون درکشورما نیرو دارند وحکومت افغانستان که ازحمایت این نیروها برخورداراست. تجربهٔ را درپیش رو دارند که درموارد زیادی با حضور شوروی سابق وچالشها ودشواری های آن ها مشابهت دارد. باید نیروهای خارجی وهمچنان دولت افغانستان، ازتجربه شوروی سابق بیاموزند و از اشتباهات آن ها پرهیز کنند.

مهمترین اشتباه شوروی سابق این بود که خواسته های برحق مردم ما را سرکوب کرد وازیک رژیمی حمایت نمود که هیچ جایگاهی درمیان مردم نداشت.

انتقال قدرت از دولت اسلامی افغانستان به ادارهٔ موقت رویداد تاریخی کم نظیر دیگر در کشور ما بود وبرای نخستین بار در افغانستان، قدرت بصورت مسالمت آمیز از یک حکومت به حکومت دیگر منتقل گردید.

در اول جدی ۱۳۸۰ استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان، قدرت راطی مراسمی به حامد کرزی رئیس ادارهٔ موقت تحویل داد.

این رویداد که تجربهٔ گذشت از منافع شخصی و گروهی و ارزش گذاری به منافع علیای وطن و مردم را به نمایش گذاشت، روش و راهکاری متمدنانهٔ را در زمینهٔ دست به دست شدن صلح آمیز قدرت به میان آورد و این امکان را میسر ساخت که مردم ما ادعا کنند، شایستگی و استعداد مدیریت کشور خویش را دارند.

اما متاسفانه حکومت آقای کرزی ودیگر زمامداران کشور، در جهت نهادینه کردن آن تجربه، علاقهٔ نشان ندادند و در عوض از آن فاصله گرفتند و از راهکار های گذشته پیروی نمودند. اکنون طوری که دیده می شود،گروه حاکم در تلاش است تا حد ممکن همهٔ قدرت را برای همیشه در دست خویش نگهدارد و گروهای دیگر جامعه از دایرهٔ مشارکت در امور سیاسی دور بمانند.

گروه حاکم برای نهادینه کردن این خواسته خویش، تا هنوز ازدست زدن به هیچ اقدام قانونی وغیر قانونی مضایقه نکرده است. چنانچه عملاً دولت آقای کرزی درجریان داستان خنده آور انتخابات این ادعا را به اثبات رساند. ادامه درص ۸



کابینه یی به خواست جامعهٔ جهانی!

وحید مژده

پس از مدتها انتظارسرانجام کابینهء جدید کشور به مجلس نمایندگان معرفی گردید. واقعا این کابینه ارزش اینهمه انتظار را داشت؟ تغییر در وزرات های کلیدی می توانست مهم باشد که در آن تغییری وارد نیامده است وبنابراین مردم باید برای مدت پنج سال دیگر با همان کابینهء سابق بسازند. کابینه ای که در سالهای گذشته افغانستان را بعنوان دومین کشور در قطار کشورهای غرق در فساد به جهان مشهور ساخت.

کاندید وزیران به امید بدست آوردن رای به در منزل هر وکیل پارلمان می روند و وعده های شان اینست که در صورت رسیدن به کرسی وزارت، از آنان حرف شنوی خواهند داشت. وعده ای که خود به معنی فساد اداری است.

در میان کاندید وزیران چهره ای را هم می توان دید که قبلا با رای مخالف پارلمان از کرسی وزارت برکنار گردید. اما رئیس جمهور بار دیگر وی را به پارلمان معرفی کرده است. معرفی وی به پارلمان در حقیقت نوعی تحقیر پارلمان را نشان می دهد. رئیس جمهور با این کار، پارلمان را با چالش مهمی مواجه ساخته است.

باری رئیس جمهور در صحبت خصوصی با عده ای از اهل راز گفته بود که پنج وزیر به وی از طرف امریکا معرفی شده است و وی نمی توانست این خواست را نادیده بگیرد. در این کابینه چهار نفر از طرف یاران دوران انتخابات ریاست جمهوری معرفی شده است.

یکی از وعده های کاندید وزیران مبارزه با فساد اداری است. سوال اینست که اگر شما واقعا ضد فساد بودید پس مسئول فساد اداری در سالهای گذشته کی بود؟

در آستانهء معرفی کابینهء جدید به پارلمان، در ولسی جرگه بحث های داغی در رابطه با وزرائی که تابعیت دوگانه دارند بمیان آمد. هرچند قانون اساسی افغانستان تصریح می کند که وزرا باید دارای تابعیت افغانی باشند اما در موارد خاصی، صلاحیت رد یا قبول وزرای دارای دو تابعیت را به پارلمان داده است. در گذشته نیز تعدادی از وزرای دارای دو تابعیت اعلام داشته بودند که از یک تابعیت خود صرفنظر کرده اند اما بعضی از این دسته وزرا پس از سبکدوش شدن از وظیفه دوباره به کشور های متبوع دومی خویش بازگشتند که مشخص شد ادعای ترک تابعیت آنان جنبهء رسمی نداشته است.

سوال اینست که اگر یک کاندید وزیر ادعا نماید که تابعیت دوگانه ندارد، چگونه می توان درست یا غلط بودن این ادعا را ثابت کرد؟ چه میکانیزمی برای این کار باید در نظر گرفت شود؟

بعضی از وکلا به این باور اند که باید این وزیران را سوگند داد تا حقیقت را بگویند. اما مشکل اینست در میان این وزرله کسانی وجود دارند که اگر آنان را سوگند (زن طلاق) هم بدهید حاضر اند اما حاضر به از دست دادن کرسی نیستند.

یک راه دیگر که بعضی از وکلاء آنرا پیشنهاد می کنند اینست که وزرائی

> **باری رئیس جمهور در صحبت خصوصی با عده ای از اهل راز گفته بود که پنج وزیر به وی از طرف امریکا معرفی شده است و وی نمی توانست این خواست را نادیده بگیرد. در این کابینه چهار نفر از طرف یاران دوران انتخابات ریاست جمهوری معرفی شده است.**

که مورد تائید ولسی جرگه قرار می گیرند باید در جلوی کمرهء تلویزیونهائی که در سراسر جهان از طریق ماهواره پخش می شود اعلام نمایند که تابعیت دوگانه ندارند. پارلمان هم از مردم در سراسر جهان بخواهند که هرکس در مورد تابعیت دوگانهء این افراد سندی دارند ویا اینکه در مورد اطلاع موثق دارند، موضوع را به پارلمان اطلاع دهند. بهرحال اینهم راهی است برای رسیدن به حقیقت. البته ولسی جرگه فیصله کرده است که در صورتیکه در آینده ثابت شود که وزیری تابعیت دوگانه دارد، این ثبوت به معنی سلب اعتماد از وی خواهد بود اما شاید بعضی ها چندروز وزارت را نیز غنیمت بشمارند.

در مورد کابینهء پیشنهادی آقای کرزی عکس العمل ها در داخل کشور تا حد زیادی منفی است و اکثر صاحبنظران به این باور اند که آقای کرزی با همان سلاح کهنه و فرسوده که در هشت سال گذشته ناکارا ثابت شده به میدان آمده و نباید از این کابینه انتظار تغییر مثبت در وضع افغانستان داشت اما نظر خارجی ها بشکل عجیبی حاکی از اعتماد و اطمینان به این کابینه است. دفتر سازمان ملل متحد در کابل همزمان با انتشار لیست پیشنهادی وزرا گفت که کابینهء پیشنهادی تا حد زیادی مطابق به انتظارات ملل متحد و تشویق کننده است.

اندرس فوگ راس موسن سرمنشی ناتو ضمن تائید لیست پیشنهادی کاندید وزیران گفت که در این کابینه افراد متخصص و با دانش انتخاب شده که می توانند بصورت بهتر کار کنند.

سفارت امریکا و کانادا هردو وزرای پیشنهادی آقای کرزی به ولسی جرگه را تائید نموده و ابراز خوشبینی نموده اند که این کابینه با کارائی بیشتری به حل مشکلات افغانستان خواهد پرداخت. سفارت کانادا حتی از پارلمان کشور نیز خواستار آن گردیده که اعضای ولسی جرگه در رد صلاحیت اعضای کابینهء معرفی شده به پارلمان با دقت تصمیم بگیرند.

صدراعظم بلژیک هم در سفری به کابل گفت که کابینهء جدید افغانستان انتظارات جامعهء جهانی را برآورده می سازد و ما انتظار چنین کابینه ای را داشتیم. وی گفت که افغانستان نیازمند یک حکومتداری سالم است و جامعهء جهانی انتظار دارد که رئیس جمهور کرزی با کابینهء فعال خویش جلو فساد را بگیرد تا ما با سربازان خویش در اینجا، در کنار مردم افغانستان بمانیم و سرمایه گذاری کنیم و دیگران را نیز به این کار تشویق نمائیم.

جالب است که همین کشور های غربی بودند که همیشه از فساد اداری در افغانستان شکایت داشتند. بیشترین فشارها در آستانهء انتخابات بخاطر همین مسئله به کرزی وارد آمد اما اکنون مشخص نیست که چه تغییری در کابینه بمیان آمده است که آنها را به مبارزه علیه فساد اداری و حکومتداری سالم در افغانستان امیدوار ساخته است؟

به نظر می رسد که همهء این سروصداها بخاطر آن بود تا کسانی که مورد نظر غربی هاست در کابینه باقی بمانند. مبارزه با فساد و مسایلی از این قبیل فقط بهانه بود و بس.

این مسئله نشان می دهد که غرب و در راس آن امریکا خواهان یک حکومت قوی در افغانستان نیست. با توجه به موضعگیری های اخیر غرب و استراتژی اوباما در قبال افغانستان، به نظر می رسد که یک حکومت ضعیف و بی اراده که موجب درد سر برای کرزی باشد بیشتر به نفع غرب است تا کشور های غربی با این بهانه که این حکومت از کارائی لازم برخوردار نیست، با والیان در ولایات بصورت مستقل کار کنند.

تجلیل از ذبیح الله شهید، تجلیل از همهٔ مجاهدین و مقاومت گران است



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله و کفی و السلام علی عباده الذین اصطفی

برادر نهایت عزیز برادر همیشه در سنگر، ستر دفاع از آزادی، استقلال وآبادی کشور استاد عطامحمد نور والی ولایت بلخ برادارن وخواهران السلام علیکم

در آغاز بر روان همه شهدای بزرگ کشور عزیزمان، شهدای عزت وآزادی و شهدای دفاع از تاریخ وفرهنگ، به خصوص شهید بزرگ ذبیح الله شهید وسایر شهدای کشور، در رأس سپه سالار جهاد احمدشاه مسعود، اتحاف دعا می کنم، روح شهیدان شاد باد و راه شان پر راهرو.

ام البلاد بلخ، زادگاه بزرگمردان تاریخ، در سطح کشورمان و درسطح جهان است، بلخ کانون رویش تمدن های بزرگ در تاریخ بوده است، زادگاه مولانا، بوعلی و ناصرخسرو و زادگاه بزرگ مردان معاصر که در خط مقدم دفاع از آزادی واستقلال کشورقرار دارند. بزرگ مردانی که در چند کیلومتری مرزهای اتحاد شوروی که جهان را از حضور قدرتمند نظامی وسیاسی خویش در وحشت نگهداشته بود، علم جهاد و مقاومت برافراشتند. ذبیح الله شهید در چنان شرایطی در برابر تهاجم وحشتناک اتحاد شوروی قیام کرد و از هیبت آن ابر قدرت نترسید و از وطن و استقلال و دین وفرهنگ مردم خویش به دفاع پرداخت.

امروز ما از آن سردار مقاوم و مجاهد تجلیل به عمل می آوریم او در میان ما نیست.

تجلیل از ذبیح الله شهید، تجلیل از همه آن مجاهدان و مقاومت گرانی است که در راه دفاع از ارزشهای ملی و ملت مظلوم خویش به پا خاستند به شهادت رسیدند.

درمیان ملت های جهان با هر دین و فرهنگی که باور داشته باشند، می توان دو ارزش را مشاهده کرد، یکی از این ارزش ها مبارزه در برابر استبداد داخلی است همواره در میان ملت ها کسانی هستند که به خاطر نجات مردم از ظلم و استبداد مستبدان داخلی قیام میکنند و با ایثار و قربانی، ملت خود را نجات می دهند. ارزش دوم مقاومت و دفاع در برابر استکبار و تجاوز خارجی است.

اگر ما در کشورهای مختلف در خیابان ها، مجسمه هایی را می بینم، این مجسمه ها مربوط به آن ایثار گرانی است که به خاطر دفاع از ملت در برابر استکبار خارجی و یا استبداد داخلی قیام کردند و جان خویش از دست داده اند. ما نیز بزرگ مردان و جوانان و نوجوانان مقاومت گر و مبارز را فراوانی داریم که همیشه در برابر متجاوزین و یا مستبدین داخلی قیام کردند وبرای مردم خویش افتخار آفریدند. در تاریخ معاصر کشور فرزندان و جوانان نهضت اسلامی افغانستان با قیام دربرابر اتحاد جماهیر شوروی، این افتخارات را برای ملت ما رقم زدند. قهرمانان جهاد افغانستان که در عمق فرهنگ و ارزش های ملی ریشه دارند از جمله فعالین و اعضای نهضت اسلامی افغانستان بودند. من برای نسل جوان و مردم مان توصیه می کنم در شرایط کنونی اجازه ندهند که فرهنگ وارزش های وارداتی به عنوان یک حقیقت برتفکر، زندگی و ارزش های ما سایه افگند. ما اگر افتخاری در تاریخ داریم که به آن می بالیم، این افتخار را کسانی برای ما آفریدند که در برابر متجاوزین و مستبدین به مقابله برخاستند.

ما متاسفانه در عرصه های تکنالوژی و صنعت افتخارات زیادی نداریم، آنچه که ما می توانیم به عنوان افتخار از آن یادکنیم، جوانانی است که جان های خود را بخاطر دفاع از فرهنگ و مردم خویش در برابر متجاوزین از دست داده اند.

ما باید این افتخارات را پاسداری کنیم و از قهرمانان این افتخارات تجلیل به عمل آوریم، و این درسی است که قرآن کریم به ما آموخته است. قرآنکریم با یاد آوری از حضرت ابراهیم می فرماید: "اذقال لقومه انا براءٌ منکم و مما تعبدون"خداوند بر پیامبرش حضرت محمد ص می گوید: به یاد آور زمانی را که ابراهیم برای قومش گفت من از شما و آنچه که می پرستید بیزارم. در جای دیگر قرآن کریم می گوید حضرت ابراهیم برای شما الگو نیک است. یعنی شما از ابراهیم پیروی کنید و زندگی او را سرمشق خویش قرار دهید. قرآن کریم از اصحاب کهف، جوانانی که در برابر یک قدرت استبدادی قرار گرفتند و در برابر این قدرت استبدادی تسلیم نشدند، یاد می کند و می گوید اصحاب کهف برای شما الگو هستند.

این آیات به ما می آموزد که ما باید از شخصیت های ایثارگر و شهدای بزرگ خویش تجلیل کنیم و روش آن ها را به عنوان یک الگو پیش روی خود قرار دهیم. امروزدر مطبوعات بین المللی می خوانیم که دنیا این حقیقت را درک نموده است که افغانستان سرزمینی است که همیشه شاخ امپراتوران و تجاوز گران را شکسته و قبرستان متجاوزین است، هر متجاوزی که به سوی کشورما دست دراز کرده جوانان غیورما دست او را شکسته اند.

ایثارگران بلخ همیشه در پیشاپیش قیام ها و مقاومت ها در برابر متجاوزین بوده و همیشه از تجاوز چنگیزگرفته تا تجاوز اتحاد شوروی، در صحنه حضور داشتند. شکی نیست که وضعیت کنونی کشور و آرزو های که مردم ما برای یک افغانستان شگوفا ومرفه دارند محصول قربانی های ایثارگرانی چون ذبیح الله شهید است واین قهرمانان بودند که راه را برای آزادی کشور هموارا ساختند. وشرایط را برای وحدت ملی مهیانمودند، بناء ما نباید فرهنگ جهاد ومقاومت را از یاد ببریم.

مجاهدین پیش از هرکس دیگر علاقمند امنیت وثبات درکشور هستند ونمی خواهند که دیگر یک قطره خونی درکشور بریزد، اما این به این معنا نیست که دست های شان همیشه بالاباشد وهرکس که می خواهد هر طوری که حکومت کند تسلیم شوند وهمیشه مهر سکوت برلب داشته باشند وهرنوع ظلم وبی عدالتی وحق تلفی را قبول کنند. بنا برین باید رهبری کشور متوجه باشد که باید با هوشیاری گام بردارند وافغانستان درحالت بحرانی قرار دارد ویک اشتباه می تواند وضعیت را وخیم ترکند

باید ازکسانی که در راه جهادومقاومت شهید شدند تجلیل کنیم، ما می بینم که بعضی ازحلقات خارجی وخود فروخته های داخلی هستندکه بصورت بسیارظالمانه برای زدودن فرهنگ و افتخارات جهادی ما کارمی کنند.آنها دراین زمینه برنامه های تبلغاتی براه می اندازند ودرجهت تصفیه حساب با مجاهدین عمل می کنند.من چند سالی بودکه به بلخ نیامده بودم وقتی که امروز وارد بلخ شدم دیدم چهره بلخ تغییر کرده است. بازسازی وآبادی چشمگیری دراین شهر دیده می شود ما باید متوجه باشیم که این آبادی درنتیجه زحمات یک سنگر دار دلسوز جهاد بدست آمدست. استاد عطامحمد نور تا دیروز درسنگر جهاد و مقاومت قرارد داشت و امروز قهرمان بازسازی وآبادیست.

این موضوع بیانگر این حقیقت است که کسانی که دیروز آماده بودند که در راه دفاع ازوطن ومردم خویش جان های شیرین خویش را قربان کنند، آنها هستند که می توانند دوباره این وطن را آباد کنند. این کشور توسط کسانی آباد نمی شود وقتی که مردم ما مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار گرفتند، آنها افغانستان ومردم را تنها گذاشتند وبه کشور های دیگر رفتند.وقتی که نیروهای خارجی وارد کشور ما شدند آنها نیز برگشتند. ما نمی گویم که آنها حق نداشتند که برگردند، بلکه این وطن خانه شاناست،حق دارند و باید بیایند، حق دارند بیایند وباید برگردند ودرآبادی آن سهم بگیرند. اما آنچه که ما به آن مخالفیم این است که آنها نباید برنامه های تصفیه حساب را با مجاهدین وآنهای که برای آزادی وطن قربانی دادند پیش ببرند ودرجهت ضربه زدن به فرهنگ ، ارزش ها وافتخارات گام بردارند

درزمان جهاد وحدت ویک پارچگی ملی به میان آمد، شیعه وسنی، پشتون، تاجیک، همه اقوام دست به دست هم داده وبرای آزادی وطن در برابر اتحاد شوروی مقاومت کردند، در زمانی مقاومت نیز چنین اتحادی درمیان ملت وجود داشت. اما کسانی پس ازکنفرانس بن به کشور آمدند برنامه های اشتباه آمیزی را با خود آوردند.

یکی ازاشتباهات بزرگی جامعهٔ بین المللی درافغانستان این بودکه دست به خلع سلاح مجاهدین زد ومردمی را که سالها برای دفاع ازوطن شان رزمیده بودند و درجنگ آبدیده شده بودند از دست دادند و با برنامه های (دی آر وداینگ)دست آنها را ازکار گرفتند و حتی سلاح های که در دست مجاهدین بود آنها را تخریب کردند و انبار های بزرگ سلاح ها را از بین بردند این اشتباه بزرگ و یک نوع خیانت درحق ملت ما بود.

اکنون استراتیژی های که می سازند و میلیاردها دالر را به مصرف می رسانند نمی توانند دست آوردی قابل ذکری داشته باشند. زیرا کسانی که به خاطر پول می جنگند هر قدر آموزش ببینند چون انگیزه ندارند، نمی توانند کاری را انجام بدهند. امروز می بینم که حتی آنها سلاح های ثقیل را در اختیار اردوی ما نگذاشتند.

اشتباه دیگری که صورت گرفت، تصفیه مجاهدین بنام (ریفورم) بود، تعدادی زیادی مجاهدین را که در امور نظامی تجربه داشتند بنام ریفورم ازصفوف نیروهای مسلح بیرون کردند واگر کسانی که می توانستند درامتحان های(ریفوم) هم نمرات عالی بدست آورند، برای آنها می گفتند که یونما ویا حقوق بشر در تقرر شما مخالف است.

وحتی متخصصین وتحصیل کرده گان امورنظامی که درصفوف جهاد ومقاومت قرارد اشتند، از پذیرش آنها نیز امتناع کردند.

اکنون هزاران افسربیکاری را می بینیم که درمیان آنها افراد تحصیل یافته وبا تجربه نظامی هم وجود دارد، جرم آنها این بود که آنها مدتی را دربهلوی مجاهدین در راه دفاع ازوطن رزمیده بودند.

آنهای که امروز با ساز وبرگ بزرگ نظامی در کشور ما حضور دارند وبه گفته خودشان برای سرکوب القاعده وطالبان آمدند اما هیچ کاری را نتوانستند پیش ببرند. درحالی که مجاهدین، با دست خالی در برابر اتحاد شوروی موفقانه ازوطن شان دفاع کردند. درزمان مقاومت مجاهدین درحالیکه ازهیچ نوع حمایت خارجی برخور دارنبودند توانسته اند در برابر القاعده وطالبان که ازپشتیبانی وحمایت خارجی ها بهره مند بودند، مقابله نمایند. امروز قوای بزرگ ناتو نمی توانند چند نفر فراری را سرکوب بکنند وبه گفته خود شان یازده ولایت در اختیار مخالفان مسلح قرار دارد، علت این وضعیت این است که خارجیان نیروهای را که درمیان ملت جای داشتند ازصحنه خارج کردند واین اشتباه بزرگی جامعه بین المللی بود.

کنار زدن مجاهدین هنوزهم ادامه دارد، در رابطه با تشکیل کابینه جدید من با تعدادی ازسفرای کشورهای خارجی ملاقات کردم، رئیس جمهور کرزی هم این موضوع را گفته است که تحت فشار کشورهای خارجی قرار دارد، تا اشخاص معینی را در پست های مهم کابینه جای دهد. من از شما می پرسم که تا دیروز شما تبلیغات می کردید که این حکوم فاسد است و وزرا بی کفایت هستند، این وزیرانی که شما با فشاری دارید تا آنها در پست های مهمی کابینه تعیین شوند دیروز هم گردانندگان اصلی قدرت درافغانستان بودند.

چرا دیروز برضد آنها غوغا به ره انداختید وآنها را فاسد خواندید، اما امروز بالای کرزی فشار می آورید که باید حتماً آنها را درکابینه تعیین نمائید.

ادامه درص۵

به مناسبت شش جدی، سالگردتجاوز ارتش سرخ درافغانستان

زیرهرخشت یکی شهرخراب است نهان

عبدالقیوم ملکزاد

حفظ ارزش ها ونگهداری ازمظاهرشکوه ودست آورد های بزرگ مبارزات آزادیخواهانه وصیانت ازافتخارات عظیم ملت مجاهد وخدا پرست کشور، یکی ازمبرم ترین وظایف ومسوولیت های مردم مسلمان سرزمین ما،به خصوص ارباب قلم است.

به تاسی ازهمین رسالت بزرگ است که این قلم روزگاریست دراین مسیر قلم می فرساید و درجستجو ومعرفی آندست ازنشیده های حماسی می پردازد که شعله های سرکش آن با آغاز حاکمیت کمونستان – درسال ۱۳۵۷ هجری،خورشیدی– از دل سنگرهای گرم جهاد و مبارزه و گاه ازمیان خیمه های آوارگان ویا دیارغربت وآوارگی ،سرکشیده است. هرچند بنده هرگز مدعی آن نیست که شاهد رفیق شدن توفیقات مزید دراین راه باشد . زیرا این کاربزرگ، مستلزم زمان بیشتر است وحوصله وتوان بیشتر.

به یقین می توان گفت : فراوانند این دست آهنگ ها وسروده هایی که ازسر درد وشورایمان ، به وسیله خدا جویان ومومنان راستین، تراوش یافته اند.

چنانچه می دانیم محتوای این نوع سروده ها، بازتاب دهندهٔ اهدافی والاومقدس اند، یعنی حمایت ازاسلام وآزادی وشرف و سربلندی و...، که ازسوی سرایشگران نذرخدا پرستان ومجاهدان راه اسلام گردیده است .

زمانی که کشورازسوی ارتش سرخ اشغال شد واشعه های زرین آفتاب جهاد به هرکوی وبرزن این دیارحماسه خیز، تابیدن گرفت ، حماسه سازان به عنایت واستعانت خدای منان ، به زودی متوجه اهمیت این موضوع شدند که برای پیشبرد جهاد وتحقق آرمانهای والاوتثبیت حقانیت آن، نیاز به ایجاد سنگرمستحکم دیگری نیزاست و آن همانا سنگر تبلیغ درجهت تنویر اذهان مردم کشور وجهانیان می باشد ، تا بدینوسیله هم زمینهٔ تشجیع وتحریک وقیام های گستردهٔ مجاهدان هرچه بیشتر فراهم آید وهم پردهٔ غفلت ازگوش غافلان برداشته شود . یقیناً کاری که دراین راستا صورت گرفت،بسیارموثرنیز واقع گردید، مزید براین که ازسیمای خورشید واقعیت وحقیقت ابرهای غفلت برافتاد ومجاهدان برای جهانیان به عنوان مدافعان راستین وآزادیخواه معرفی گشتند وچهره های زشت وسیاه متجاوزین وآدمکشان ودست نشاندگان آنها هرچه بیشتربرملا گردید وبدینترتیب همهٔ مردم گیتی به زودی متوجه این واقعیت گردیدند که کشوری به نام افغانستان در کام خرس قطبی افتاده وفاجعهٔ بزرگ انسانی دراین سرزمین رخ داده است که همه روزه قتل وکشتارگسترده یی را همراه دارد.

بی مناسبت نخواهد بود اگرگفته آییم :

درباب ادبیات جهاد ومقاومت به گونه یی که ایجاب می کند، متاسفانه کارچشمگیری صورت نگرفته است . شاید گفت رسایلی دراین باب دربعضی ازجاها – ازجمله ایران– به چاپ رسیده وبه وسیلهٔ برخی ازاندیشمندان پژوهش هایی درزمینه صورت گرفته است، نگارنده این را می پذیرد ، اما ازناقص بودن آن نیزنمی تواند اغماض کند. زیرا! کاری که درآن حوزه صورت گرفته،دربرگیرندهٔ معرفی کلیه چهره های سرایشگر ویا نمونه های کلام آنان نمی تواند باشد،که این موضوع مسلماً ازعدم شناخت پژوهشگران دربارهٔ شعرایی که درسرزمین های دیگرویا درسنگرها وحتی آن کسانی که درساحات زیرتسلط دشمن (به علت ناگزیری) به سرمی بردند ، منشاء می گیرد .

به گونهٔ مثال می توان گفت که درچندین اثر تحقیقی وکتاب هایی که به منظورمعرفی شعرای جهادومقاومت تدوین یافته ، ازسخنورانی چون استادمولوی محمد حنیف بلخی،عبدالجلیل شبگیرپولادیان،عبدالاحد تارشی، عبدالودود نایل لاجوردینشهری ، دکتورنصری حقشناش ، دکترسیدمخدوم رهین وامثالهم نام برده نشده است .

ما ضمن قدردانی ازتلاش های چنین قلمداران ، امید واریم این کاستی در تحقیقاتی که پس ازاین صورت می گیرد، منتفی گردد.

یکی ازفعالیت های موثر فرهنگ جهاد ایجاد بنیاد هایی به همین نام می باشد تا درچوکات آن دست اندرکاران بتوانند ثابت سازند که مجاهدین به عنوان وارثان استقلال وآزادی میهن، مبرا ازهرگونه اتهامات وبرچسپ هایی اند که متاسفانه به صورت عمدی ومغرضانه ، گه گاهی ازسوی دشمنان اسلام ووطن عنوان می شود .

بگذار هرزه سرایان ، ازسرعقده و جهل ویا خصومت، حساب پاکبازان ومحافظین راستین اسلام و وطن را با دزدهای سرگردنه ، یکی بشمارند. آنچه مهم تلقی می گردد اینست که ما باید درحصهٔ خود بکوشیم واجازه ندهیم تا ابرسیاه تهمت وبدبینی هایِ مشتی نامرد ومریض وهمچنان غفلت عده یی ازهمسنگران، خورشید این افتخارات را، ازجلوه باز دارد.

با این تذکر نگاهی می افگنیم به نمونه هایی ازکلام سخنوران جهاد درباب تجاوز ارتش سرخ درافغانستان ،که به تاریخ ششم جدی سال ۱۳۵۸ به گونه آشکار وعلنی صورت گرفت .

اینک با رعایت ترتیب الفبا ، آغازین سخن این جستاررا، با شعرشادروان استادمحمد یوسف آیینه پی می گیریم . استاد درسروده یی زیرعنوان:« جهاد من » صفحهٔ تاریخ سرزمین هایی را برمی کشاید که مهاجمان تبٰهگر، به قول او " **ازپی قتل وهجومی که نیاید به شمر**" چنان وحشیانه تاختند وسوختندومردم بیگناه را کشتند که حاصل تجاوز وکشتار شان نیست، الا:

" زیرهرخشت یکی شهرخراب است نهان | ته هر گام در افتاده یکی سینه و سر "

استاد آیینه پس ازآوردن ابیاتی ،پهلوهایی ازجنایات را محققانه موشکافی می کند، جنایات صورت گرفته به وسیلهٔ ارتش تادندان مسلح را، یا گروه های سیاه دلی را که به گونهٔ آدمکشان دیگردست به فجایع ننگینی زده ومی زنند .

چنانچه اشاره می کند:

این تلی سازد ازاجساد و دگر کله منار | وان کند آدم وعالم به دمی خاکستر

این شعرکه به اسلوب ترکیب بند انشاد یافته، طوری که گفته شد بازگوکنندهٔ صفحات خونینی ازکشتاروقتل وغارت گرگ پیشگان است ویا شرحی از جنگ وتباهی و ویرانگری که بالشکریان روس وهمچنان هتلروزورمندان دیگرراه انداخته شده بود.

اکنون به آوردن نمونه ابیات دانشوری ازسلک پیشتازان نهضت اسلامی مبادرت می ورزیم که اوبیشتر به یک عالم دین ومفسر قرآن معروف است ، تا یک سخنور!

مشارٌالیه، **استاد شهید ابوعبدالرحمن احمدزی است.** وی درسروده یی خطاب به سنگرداران جهاد راجع به هجوم روسها درافغانستان توضیحاتی داده و آنها را « غداران بزرگ » معرفی می دارد. شعراین استاد ودعوتگردین، سخنانی دارد به شرح زیرین :

ای زما د زره تکور ، مجاهدینو!
کړی د دین دشمن نسکور مجاهدینو!

توصیهٔ دیگراستاد اینست که : برای مبارزه وجهاد با این مهاجمان بیشتر ازهرچه بیشتر به وحدت ویکپارچگی مجاهدان نیاز است . فلهذا کوشش همه جانبه به خرج باید داد :

د وحدت لاسونه ورکړی یو د بله
رقیبان کړی پری شب کور مجاهدینو !

دلیل می آورد :

مسلمان دی سره یو بیلتون حرام دی
لکه ورونه د پلار مور، مجاهدینو!

ومی افزاید:

د روسانو پاچهان یو بل د پاسه
شول نسکوردخدای په زور، مجاهدینو
د برژنف ،اندروف ، چرننگ خانه ویجاره
هم یی تل شوی سوی نسکور مجاهدینو !

شهید احمدزی بالای وحدت مجاهدین تاکیدجدی وهمه جانبه می ورزید وبه این باوربود : هرگاه سپاهیان اسلام با با اعتصام به حبل متین همدستی واتحاد به جهادونبرد بی امان برضد اشغالگران بپردازند ،آزادی وطن به زودی تسجیل وازاثرکشته های آنها دشمنان وطن هایی پدیدخواهدآمد. راستی هم همینطورشد :

هدیره شوه زمونږ کور د روس د پاره
ورته پاته شوه پیغور ، مجاهدینو.

حینی که کلکسیون مجلهٔ "میثاق خون" را ورق می زدم ، نظرم را یک سرودهٔ دیگر پشتوجلب کرد که "دنری سترمکار(روس) ته دمجاهداعلان " عنوان دارد.

این سروده ازشاعری به نام **شاه ولی بیریا** است که محتوای منظومش درمحور دسایس وفتنه ونیرنگ روسها می چرخد . بیریا وانمود ساخته : هرگاه روسها ازصلح وآشتی دم زنند ، نمی توان به آن مهرباورنهاد و یا مورد اعتماد قر, داد.

گفتنی است : مطلع این سروده با یک بیت معروف فارسی – دری همرنگ است که درآن گفته شده :

به هررنگی که خواهی جامه می پوش
من ازطرز خرامت می شناسم

"بیریا" این بیت را اینگونه ترجمه کرده است :

په هرلباس که پټ شی داره ماره، زه دی پیژنم
نور موتیرویستی نشی مکاره زه دی پیژنم

"بیریا "می پرسد:

آیا تفسیرویا معنای " دوستی افغان – شوروی " همین بود که شما برسرمردم مظلوم وبیدفاع افغانستان آوردید وآنها را در به در وخانه ویران ساختید ؟

از زبان خودش می شنویم :

دا ده ستا دوستی، چه افغانان تول در په در گرځي
ځوك پلچرخی کښی، حوك خپی ابله غرغرگرځي

سایر ابیات این منظوم نیز به گونهٔ فوق سخن ازجنایات ارتش متجاوزین دارد، درعین اینکه ازشهامت ودلیری سپاهیان اسلام آیینه داری می کند.

شهید محمد داوود بهار، یکی دیگر ازشعرای دردمند محیط هجرت به حساب می رفت ، که مارا با آنها سرآشنایی بود .او انسانی بود خلیق ومهرورز که بهارجوانیش به دست سیه کاران پرپر شد.

یکی ازسروده های این شاعر دردآشنا،خطاب به فصل برگریزان است که بدان وسیله خواسته است وضع پریشان مردم وخرابی وطن را به تصویر بکشد . می توان گفت خزان دراین شعر نمادی ازغم ورنج ومصایب وتاراج وبدبختی است ، همانگونه که فصل بهار آیتی است ازخرمی وشادابی وخوشحالی !

شاعردربندی ازاین سروده ، ازخزان خواهان است که از زادگاه او رخت سفربربندد، چون ازسیمای او آثارغم وآلام ودردوخواری پدیدارمی باشد ، تا با رفتن او بهاری فرا رسد وبلبلان نغمه های شادی سرِدهند :

خزانه لارشه نور درته می غلامی ښکاری
ژمی نه وروسته دبهار شکلی حپی ښکاری
د بلبلانو په باغو کی ښی نغمی ښکاری
زمونږ زروکی د آزاد وطن قصی ښکاری

و درشعر بالاترازاو می سراید :

خزانه راغلی خو په تاکی دیر مرگونه دی
خوشحالی نشته هری خواته فغانونه دی
کورونه وران دی لور په لوری هجرتونه دی
جهان خوشحال ده زمونږ څه خوار نصیبونه دی
نصیبه خوار ښی چه په مونږ دا نا تارراوستی
هلته هیواد کی دروس غوندی غدار راوستی

وبند شعری که ذیلاً از این سروده نقل می کنیم ، پرسش هایی است ومتعاقب آن آیینهٔ نیاز "بهار" ازفصل خزان :

خزانه ! ولی دی زما کور ته غمونه راوړه ؟
د سرو روسانو د ظلم چپاونه راوړه ؟
په خوږ وطن می دهرخواته سیلابونه راوړه ؟
خوشحالی نشته دغمو دطوفانونه راوړه ؟

بهار می گوید : مغیلان چنان آلام ومصایبی را در برابرما گستردی که نظارهٔ این نوع فجایع ، مصایب وبلا ها، برای ما تحمل پذیرنیست :

له دی نه له وړاندی وحشتونه لیدلی نشم
هغه وطن ته می به دا سترگو کتلی نشم

واما « **بیانی** » در بیتی شکست روس را – که به نام ابرقدرت شرق مسمی می گردید – دربرابرنیروی ایمان لشکریان خدا ، تسویر می کند ووانمودمی سازد که جهاد برحق ملت مسلمان افغانستان سبب شد تا ارتش سرخ با همه سازوبرگ نظامی که در دسترس داشت ، با زبونی ورسوایی به زانو درآید وسرانجام مجبور به هزیمت وفرار ازسرزمین ما گردد :

دیدی آخر که زبون گشت ابرقدرت شرق
از دلیری دلیران و جهاد وطنم

وحدت

نورالله وثوق

بویِ همدلی

بیا کز موجِ گل خرمن بسازیم
ز بویِ همدلی گلشن بسازیم
درین دَوری که حرف ازدوستی نیست
چرا ازهمدگر دشمن بسازیم

مهره های رنگین

چه رنگین سهره ها چیده تعصب
به هر جایی جدا چیده تعصب
شدم یک لحظه غافل از دل خویش
به گورم سنگها چیده تعصب

همفکرِنامردی

چرا ازدیدن دلها به تنگی
چراهمفکرِنامردیِ سنگی
چرادرکوچه بازارِ تعصب
چراغ افروز بزمِ هرچه ننگی

ضریبِ هوش

دلِ ما خوش به چربی چرنداست
سخن پردازِ بزمِ چون وچند است
عصایِ دستِ جهلِ جانیانیم
ضریبِ هوشِ شهرِمابلند است!!

سنی – شیعه

مراسنی نهادی نامُ واورا
بنامِ شیعه ازمن دورکردی
به هم نزدیک گردیدیم روزی
که مارازنده در یک گور گردی

پیام کربلا آزادگی وشجاعت وشهادت است

احمدفواد



موج خون او چمن ایجاد کرد
تا قیامت قطع استبداد کرد

اندیشه اصلاح وساماندهی بی سروسامانیها وشیر ازه بندی ازهم گسیختگی های جوامع انسانی یکی از آیات بنیان زبور زندگی است که در ژرفای تاریخ ریشه های آن فرورفته و هر جا که خود کامگی افراد و گروه ها، به پارهپاره کردن اوراق دفتر زندگی بشری دست می یازدوبه حکم سنت های تاریخی حاکم بر جوامع باید ضمیرهای بیدار به پاخیزند و فریاد عدل و داد را برضد بیداد گری ها و ناروائی ها طنین انداز نمایند.

واما این فکر سازندگی واندیشه اصلاح گستری در چمن زار آموزه های دینی لاله گلی است جوانه زده از اعماق معرفت دین که اسلام هم به عنوان آخرین پیام رسان، زمزمه جان نواز اصلاح وداد و عدل و قطع ریشه های ظلم و استبداد را به آواز رسا در گوش همه جهانیان زمزه کرده وبه زبان راستین پیام آور خویش مژده داد که در آغاز هر سده احیا گرو مجددی خواهد رسید که دین راتجدید و خرافه زدایی نماید و آنرا با چهره اصلی اش به نمایش گذارد.

قیام وخیزش امام حسین نخستین تک سوار جنبش احیا گری و غبار زدایی از چهره آئینی است که نیای بزرگواری او به عنوان پیام آور عدل و قسط به جوامع محکوم ستمروائیها و خود کامگی در پهنه تاریخ می باشد.

بدون شک بیدادی جرثومه های فساد زمانی جوامع انسانی را به نابودی تهدید می نماید که رهبری ها دچار فساد گردند که یقیناً در چنین حالتی به حکم "النـاس علـی دین ملوکهم" و بای فساد به همه جامعه نشر می نمود وتگرگ آن سر تاسر باغ را در هم می کوبد افزون بر آن مبارزه میان خیر وشر هم آیتی است از آیات کتاب هستی که کار زار آن در درازای تاریخ هستی داغ بوده و بر بنیاد همین سنت آفرینش است که پیامبر اکرم هنگام خطاب به حضرت علی می گوید "اگر توسط تو فردی هدایت و رهیاب گردد، مزد آن از همه شتران سرخ موی عرب برای تو بهتر است"

آری بر بنیاد چنین باورهای است که بعد از بر قراری ملوکیت که به تعبیر اقبال" ملوکیت همه مکر است و نیرنگ" و گسیخته شدن رشته خلافت که بازهم به تعبیروی "خلافت حفظ ناموس الهی است" جامعه اسلامی دچار وبایی استبداد گردیده و پیام آزادی و آزادگی و عدل و داد اسلام توسط خو کامگان چون یزید و یزیدیان به چالش گرفته می شود وسیه ابرهای زورگویی و قلدری بر آسمان صاف، صفا و اخلاص جامعه نو پای اسلامی چهره می شود، و به گفته اقبال:

چون خلافت رشته از قران گسخیت
حریت راز هر اندر کام ریخت

بلی! چنین وضعی حضرت امام حسین در برابر دشمنان لا تعد ولا تحص با وصف آنکه می داند پایان کار زار او شهادت است، با این شعار که "هیهات منا الذ له" به رهروان راه عزت و آزادگی درس شهامت و شجاعت می دهد و رمز آموز سپاهیان مکتب توحید می شود.

رمز قرآن از حسین آموختم
ز آتش او شعله ها اندوختم

جنبش ظلم ستیزی امام حسین پیامی دارد بس عزت آور و زندگی ساز که ملت مجاهد افغانستان با الهام از آن در برابر بیراهگی های زمامداران فاسد و عدم پاسخگویی آنان به خواست توده های تکبیر شعار این سرزمین وفساد و انحراف حکومت های دست نشانده و استفاده های ناروای آن ها از دین به خاطر مشروعیت بخشیدن به اقتدار خویش، در برابر استعمار انگلیس و تجاوز اتحاد شوروی متوفی و مزدورانش و مزدوران پرورش یافته دامان توطیه های منطقه ای و بین المللی یعنی گروه مزدور طالب، به جهاد و مقاومت به پا خاستند و مردانه رزمیدند.

و رهروی مکتب اسلام عزت شعار و راه حسین شهادت شعار را به اخلاف و آیندگان این ملت مجاهد در صفحات تاریخ این سرزمین به خط درشت ثبت نمودند.

تجلیل از ذبیح الله تجلیلی از همه مجاهدین و ...

تا زمانی که یک رهبر دلسوز وغیر انحصارگر به میان نیاید وتازمانی که انحصار گری وکنار زدن دیگران از میان نرود اگر خارجیان ده ها وصدها میلیارد دالر دیگر هم مصرف کنند، دراین کشور ثبات وامنیت به میان نمی آید.

مگر این افراد ظرف چند روز تغییر کردند، من اطلاع دارم که متخصصینی که چندین شهادت نامه ما ستری در اختیار داشتند برای عضویت درکابینه معرفی شدند، اما رد شدند. بناءً ما می توانیم بگویم که خارجیان اشتباهات زیادی را درکشورما مرتکب می شوند درمسایل امنیت، مسایل فرهنگی وارزش های ملی جامعه ما با جوامع غربی تفاوت دارد، در غرب مردم در برابر پول برای وطن شان کار می کنند، اما درجامعه ما مردم بخاطر انگیزهٔ دینی وملی شان برای امنیت وطن خویش کار می کنند ، مسعود شهید وذبیح الله شهید که برای دفاع از وطن قیام کردند، هیچ طمع دنیای در نظر نداشتند، آنها حتی با استعمال سلاح آشنایی نداشتند. وزمانی که مرحلهٔ جنگ گذشت،مجاهدین سلاح را برزمین گذاشتند.

ما باید این حقیقت را بپذیریم که که این مردم هستند که می توانند امنیت خویش را تأمین کنند، البته از خدمات خارجیان در زمینه امنیت تشکری می کنیم وهمکاری های آن ها را می پذیریم. اما باید این خارجیان بدانند که ما ارزش ها ومقدسات داریم اگر آنها خطوط قرمز دارند ما هم خطوط قرمیز داریم. می بینیم ک آن ها از هزاران کیلو متر دور تر آمدند ومی گویند که مصالح ملی ما در خطر است، افغانستان وپاکستان خطوط اول امنیت ملی ما است. آنها باید بدانند که ما هم مصالح ملی داریم وخطوط قرمز داریم.

خارجیان دایه های مهربانی نسبت به ما نیستند باید به مصالح ملی وارزش های ملی ما احترام بکنند

من در رابطه به اوضاع سیاسی کنونی کشو می گویم که رهبری سیاسی کشور باید متوجه باشد که در شرایط حساس قرارداریم.

باید گام های هوشیارانه بردارند ونباید بحران جدید کشور ایجاد کنند، کشورما زخم های شدیدی دارد وما جدا تمایل داریم که جلو هرگونه بحران گرفته شود، اما اگر گروه حاکم بحران سازی بکنند وبار دیگر سیاست انحصار گری را در پیش گیرد، مردم چشم وگوش دارند ومی بیننند که زمامداران چه کاری می کنند، مر دم می پرسند که جایگاه آن ها در کابینه جدید درکجاست کی ها پست های این کابینه را پر کرده اند.

من بار ها گفته ام که حکومت جدید به اساس انتخابات به میان نیامده است، این ۳۲ فیصد کسانی که از نامزد مخالف کرزی حمایت کردند، باید آنها جایگاه خود را در کابینه احساس کنند. بیرونی ها هم باید این را بدانند.

من می بینم که کسانی که متعلق به جهاد ومقاومت هستند علیه آنان نیز دسایسی جریان دارد آن ها را هم شمارشان بسیار کم است می خواهند که درصحنه نباشند ، برخی از والیانی که همیشه در خدمت مردم بودند وکارهای بزرگی انجام دادند، می خواهند آن ها نباشند.

زمامداران کنونی باید بدانند که افغانستان امروز افغانستان پیش از زمان تجاوز شوروی نیست، مردم ما مقابله با استبداد را جزء بادر وعقیده خویش می دانند. کسانی که بخواهند استبدادی جدیدی را درکشور حاکم نمایند، باید این خواب های پریشان را از کله خود دور بسازند.

ما باید جلو بد امنی را در کشور خود بگیریم. باید از حضور خارجیان در برقراری امنیت استفاده خوب بکنیم، با آنکه آنها به خاطر ما نیامدند بلکه بخاطر منافع خود شان آمده اند ، اما بازهم وقتی فرزندان آنها به این جا می آیند وقربانی می دهند، از آنها تشکری می کنیم، اما امنیت چیزی است که تنها با دست فرزندان وطن به میان می آید، خارجیان هرکاری که بکنند نمی توانند امنیت ما را تأمین کنند.

تا زمانی که یک رهبر دلسوز وغیر انحصارگر به میان نیاید وتازمانی که انحصار گری وکنار زدن دیگران از میان نرود اگر خارجیان ده ها وصدها میلیارد دالر دیگر هم مصرف کنند، دراین کشور ثبات وامنیت به میان نمی آید.

مجاهدین پیش از هرکس دیگر علاقمند امنیت وثبات درکشور هستند ونمی خواهند که دیگر یک قطره خونی درکشور بریزد، اما این به این معنا نیست که دست های شان همیشه بالا باشد وهرکس که می خواهد هر طوری که حکومت کند تسلیم شوند وهمیشه مهر سکوت برلب .اشته باشند وهرنوع ظلم وبی عدالتی وحق تلفی را قبول کنند. بنا برین باید رهبری کشور متوجه باشد که باید با هوشیاری گام بردارند وافغانستان درحالت بحرانی قرار دارد ویک اشتباه می تواند وضعیت را وخیم ترکند

ما علاقه چندانی برای حضور در کابینه نیستیم اما این به این معنا نیست که یک تعداد ویک گروه همیشه محروم باشند وحق آن ها نا دیده گرفته شود.

ما در روز های دهه نخست محرم قرارداریم، عاشورای حسینی پیش روست، دوست داشتن خانوادهٔ پیامبر وامام حسین در نزد همهٔ مسلمانان چه سنی وشیعه یک اصل است.

قیام امام حسین در برابر یک ظالمی است که بنام اسلام می خواست یک استبداد نا روا را درجامه اسلامی برقرار بکند. اما امام حسین نمی توانست بپذیر دکه یک کسی که اعمال ناروا دارد ولی خواهد یک استبداد را حاکم بسازد وخودش آغشته به فساد است، در رأس جامعهٔ اسلامی قرار گیرد.

عاشورا روز وحدت همه مسلمان است واقعه ی است که ما باید به عنوان یک درس تاریخی آن را در نظر بگیریم. مخصوصاً نسل جوان ما باید از قیام امام حسین وقیام های اسلامی افغانستان بیاموزند.

دراخیر از استاد عطامحمد نور واز قومندان صاحب علم خان آزادی یاروهمسنگر ذبیح الله شهید وسایر بردران که در این جا زیاد هستند وفرصت ذکر نام آن ها نیست اظهار سپاس گزاری می کنم

استغفرالله لی ولکم ولسایر المسلمین

به مناسبت بیست و پنجمین سال شهادت استاد عبدالقادر (ذبیح الله)

فرمانده عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بلخ

ذبیح خدا آنکه می فهمید و می جنگید

لاجوردین شهری



نوشته زیر قسمتی از مقاله یی است که در شماره نهم ماه قوس سال ۱۳۶۵ مجلهٔ میثاق خون در دومین سال شهادت استاد ذبیح الله شهید، توسط لاجوردین شهری نوشته و نشر شده است. اینک این مقاله مذکور را به مناسبت بیست و پنجمین سال شهادت استاد ذبیح الله شهید دوباره به نشر می سپاریم.

اداره هفته نامه مجاهد

ای بلخ! مسلسل غرور بر انگیز برادرم ذبیح خدا آن معلم درد وتنهایی، نبرد وفتح را که جز برای خدا و آزادی آتش نگشود، به جز جگرگاه دژخیم تجاوز به جان هیچ بی گناهی نشانه نرفت، نگهدار وخوب نگهدارتا وارث راستینی و پا برهنه یی که عزت و شرف را در گمنامی می فهمد دشمن را خوب می شناسد وعشق و آرمان تعهد را عمیقا احساس می کند، به شانه گیرد وچون او نستوه و سربلند، آگاه ورهگشا، سنگلاخ های دشوار گزار راه را در زیر آهنین گام های عظیم مقاومت خورد و هموار کند و پیش تازد.

ای بلخ! یاد او را از یاد مبر که او دست آورد بزرگ تو در تاریخ پیر و شکوهمند تو بود"او" شهید معلوم ویک رنگ توست، گلبوله های مبارک خونش صخره های ترا نیز بوسید، او یک مرد است او یاورخوب تنهایی های توست، او در تنعم زاد و در پارسایی زیست و در اسلام مرد.

های بخدی! او تولد تاریخی و بزرگ تو بود، او چون دیگر نازپروردگان تنعم در لحظه های بزرگ صعوبت نگذاشت، تا واپسین واپسین با "تو" بود و در سهمگین ترین لمحه های احتضار تو اسیر اسارت جورت نگذاشت ودرنگ ناپذیر و شکوهمند از حریم ایمان، از حریم آزادی و از مساحت گرامی قدر خاک تو به دفاع و پاسداری برخاست.

آری ای بلخ! یاد کن ازذبیح خدا آن فرزند صالح خود که با تقوا آگاهانه و تدبیر شکست ناپذیرش همیشه "لکه تاریخی ننگ را" بر پیشیانی روسیه متجاوز و تبهکار نهاد وهمیشه و خلل ناپذیر دشمنان اسلام را زبون و سرافگنده ساخت.

هان ای بلخ! یاد مهر او را مبر از یاد که چسان دشت وصحرا، صخره و سنگ ترا آن تفنگ بدوش مهربان می بوسیدو با پا های استوارش از حریم خوب تو پاسدارو رهنما بود.

یاد کن او را که گفت:" می خواهم بمیرم در لحظه عظیمی که کودکان دردمند بلخ بگیرند" و گفت" می خواهم روزگاری که پیکرشهادت دیده و به خون آغشته ام را مردم از میان گل وسنگ ما رمول ببرند"

وگفت" ما جاویدانه قامت برافراخته گانیم و نخواهیم مرد، آنکه می میمیرد جلاد لاش خواراست".

و گفت" دریغ است این که مردم با اخلاص و عشق ما را بخواهند که ما بمانیم و ما برویم"

و گفت" حقا که جنگ درنگ ناپذیر ما تا نابودی کامل سلطه (کا جی بی) و سیا درافغانستان اسلامی ادامه خواهد داشت.

او اعتقاد داشت:"برای تحلیل درست از ماجرای عظیم انقلاب، ناگزیریم عوامل وانگیزه انقلاب را بشناسیم و موتور حرکت یعنی آرمان وسوژه اصلی انقلاب را درکتاب مبین جامعه تبیین و تفسیر نماییم و شناختمان را ازچگونگی ارتباط بعدنظامی با ابعاد سیاسی ائدیولوژیک انقلاب مشخص و جمعبندی کنیم، تا درنهایت بیابیم که ما در جوچه جامعه وجامعه درجوچه شرایطی و شرایط بر مبنای چه انگیزه بازسازی شده تا انقلاب پدیدآمده است که بعدا در مدافعه نامه از داعیهٔ سیاسی فرهنگی انقلاب، موضعگیری اسلامی و یا ملی کنیم.

ملت مسلمان ما درتداوم پنج سال از تاریخ شکوهمند خویش، شعله های آتشین انقلاب را بر روی دستان مقاومت حمل کرد و ضرب های سهمگین وخانمان سوز آتش تهاجم را برفراز کلبه ها، قریه ها، و شهرهای محروم خویش تحمل نمود و یک میلیون از بهترین ارجمندان عزیز خویش را به آستانه مهد شهادت به قربانی فرستاد و چهار میلیون آواره مهاجر را به سوی کشورهای همسایه سرازیر ساخت.

و چه بلاهای غم انگیز دیگر کمونیزم جنایت پیشه وسفاک درافغانستان به بار آورده که فریاد و تقبیح و اعتراض جهانیان را به آسمان بلند ساختهٔ جهان اسلام با کنفرانس های متعدد آن را محکوم کرد، دنیای سوم جنایت های عظیم شوروی را تقبیح کرد، حتی کشورهای وابسته به مدار سیاسی نظامی این ابر قدرت جهانخوار نیز اعتراض علیه این تهاجم وحشیانه خود داری نکردند، امریکا وفرانسه و کجا وکجا با اعتراض وتقبیح و قطع روابط، ظاهرا تهاجم بر افغانستان اسلامی را روسیه محکوم نمودند.

آری بخدی پیر! گهوارهٔ مدنیت های کهن! ذبیح، شاگرد عزیز و پاسدار یکرنگ مکتب و سنگر اسلام است، او صبور و بردبار است و نمی جنگید مگر می جنگید به خاطر اعتلای اسلام با شیطان واولیای شیطان. ذبیح خدا مرد پارسایی، صبور و رزمیدن و مقاومت کردن بود. کفرجهانی، خطوط فکری اصیل و غیرالتقاطی او را دریافته بود و ذبیح الله را تشخیص داده بود که مردعقیده، مرداندیشه و مکتب ومرد تعهد و آشتی ناپذیری و ناسازگاری است وشعورشناسندهٔ دشمن در انبوه تاریکسازی تبلیغ او را شناخته بود که او خواهد جنگید و راهش را درنگ ناپذیر ادامه خواهد داد.

دشمن دریافته بود که او فریب هیچ مصلحتی، شهرتی، وقدرتی را نخواهد خورد، وتشخیص داده بود که مانع بزرگ و دردسربزرگ در راه تطبیق آرمانهایش "او" است و یاران دلیراو. و دشمن که درنبرد رویاروی نمی توانست آتش بزرگ مسلسل او را تاب آورد و براوچیره شود، با استفاده از ناجوانمردانه ترین شیوه که آئین سزاوار و قدیمین جلادان در تاریخ است، ستون پنجم را گماشت و ستون پنجم از آن قماشسیت که رویاروی همکاری، کمک وهمنوایی مزورانه می کنند تا توجیه پذیر باشند و بعد از پشت خنجر می زنند که هیچکس حتی درخیالش نیاید که او که بود؟

دشمن ستون پنجم را گماشت و با شهادت گرامیقدر برادر افتخار آفرین، یک بار دیگر دست های پلید خود را به خون عزیزی از عزیزان بلند مایه و مدافع راستین میهن ما، آغشته کردو ملت ما را عزا دار چنین مجاهد برومند نمود که: مرگ ونفرین بر همه دشمنان اسلام و آزادی باد.

آری! ای بلخ ماتم گرفته و پیر! شنیدم که شهید دادی، سوگواری. شنیدم که دشمن نتوانست تحمل فرزند تو را نماید، او را از تو گرفت و ترا به غم آغشته کرد، بلخ و بلخیان را درحسرت اوعزادار ساخت. اما نه، نه؟ برتومبارک باد شهادت او... گلبول های مبارک خون او، هزاران ذبیح دیگر خواهندآفرید تا از اسلام و آزادی دفاع کند.

اعلان کابینه مردم را ...

تا اندازه امید واری ایجاد کرده بود که بالاخره آقای کرزی ضرورت داشتن یک استراتیژی جهت اصلاح حکومت وریشه کن کردن فساد را درک نمود. در صدد است، چنین استراتیژی را آماده سازد. اما سخنان تناقض آمیز وی در روز افتتاح این کنفرانس، دفاع از شهردار که به حکم محکمه مجرم اعلان گردیده بود و سرزنش قوهٔ قضائیه و خاموشی مرگبار این قوه، اشتراک کنندگان این کنفرانس را سردرگم نمود و مردم را نا امید ساخت. این کنفرانس کارش را به پایان رساند اما سرنوشت آن باده ها کنفرانس و کمیسیون مشابه دیگر، تفاوتی نداشت و هیچ مطلبی دربارهٔ نتایج آن در اختیار مردم قرار نگرفت.

کابینه درنتیجهٔ فشارهای خارجی وداخلی به میان آمده است.

آنچه که روشن است، آقای کرزی در معرفی کابینهٔ پشنهادی خویش، تحت فشار شدید از سوی حامیان خارجی و موتلفین داخلی خویش قرار داشته است.

خارجیان به هدف سرکوب القاعده و طالبان، خواستار معرفی افراد مورد نظر خویش در پست های کلیدی وزارت دفاع، داخله و امنیت بودند و گفته می شود و زرای کنونی که در گذشته نیز این پست ها را در اختیار داشتند، از حمایت خارجیان برخوردار هستند. گروه ها و شخصیت های داخلی نیز در بهای حمایت از وی در انتخابات، خواهان دریافت کرسی های باقی مانده حکومت بودند و چنانچه شماری زیادی از وزارت ها وپست های دیگر را به عنوان سهم خویش بدست آوردند و وزرای مورد نظر شان را معرفی کردند.

بنابرین کابینه کنونی متشکل از افرادی است که یا از حمایت خارجیان برخوردارهستند و یا مقام خود را مرهون حسن نیت گروه ها و شخصیت های متنفذ موتلف آقای کرزی می دانند.

مدیریت این کابینه، دشواری های را درپی خواهد داشت و آنگونه که آقای کرزی در سخنرانی خویش در کنفرانس ملی مبارزه با فساد عنوان کرد، حکومت های موازی ایجاد خواهد شد و حکومت وی را به یک حکومت فاقد انسجام، استراتیژی واحد و هماهنگی لازم تبدیل نموده وبه وخیم ترشدن و ضعیت خواهد انجامید.

دو رویی غرب در مورد ثبات کشور.

معرفی کابینهٔ جدید نشان داد که، غرب برای اصلاح حکومت داری در افغانستان، که عنصر مهم در امر پایان شورش می باشد، فاقد استراتیژی است و یا اصلاً ایجاد ثبات وامنیت در افغانستان را به نفع سیاست های خویش نمی داند،آن ها به ایجاد بحران می اندیشند تا ایجاد ثبات در کشور ما، حمایت از ادارهٔ که طبق گزارش های منابع معتبر بین المللی و داخلی، یکی از فاسد ترین حکومت های جهان می باشد و حمایت از بازیگران اصلی چنین یک اداره ی، این شک را بصورت جدی تقویت می کند.

برای هیچ کس پوشیده نیست که بحران مشروعیت چالش عمدهٔ حکومت کنونی آقای کرزی است. چون پیروزی آقای کرزی در نتیجهٔ انتخابات ۲۹ اسد، به هیچ صورت برای مردم قابل پذیرش نیست.آقای کرزی در نتیجهٔ حمایت خارجی و تصمیم غیر قانونی کمیسیون انتخابات، به میان آمده فاقد از مشروعیت است. لازم بود آقای کرزی برای کسب مشروعیت اقداماتی را روی دست می گرفت. یکی از این اقدامات جلب حمایت اپوزیسون بود که در انتخابات از داکتر عبدالله حمایت کردند. نا کامی آقای کرزی در جلب این اپوزیسون که بخش مهمی از مردم افغانستان را تشکیل می دهند، ضعف مهم حکومت آیندهٔ کرزی دانسته می شود. این نا کامی به نگرانی های زیادی دامن زده و به نا رضایتی مردم افزوده است.

عواملی که ذکر شد بزرگترین اشتباهات آقای کرزی است که در دورهٔ آیندهٔ حکومت خویش مرتکب شد ونشان داد که، او مسیر نا درستی را درپیش گرفته است. این مسیر به هیچ صورت بسوی پیروزی نخواهد رفت و سر انجام حکومت جدید وی سر نوشت بهتری از حکومت های گذشته نخواهد داشت.

آیا پارلمان می تواند انتظار مردم را هنگام رأی دهی به کابینهٔ جدید برآورده سازد؟

مهدی



اکنون کابینه پیشنهادی آقای کرزی تحت بررسی و رایزنی های شورای ملی قرار دارد و پیش بینی می شود به زودی جلسات رای اعتماد به این کابینه در شورا آغاز گردد.

لستی در برابر نمایندگان مردم قرار دارد که از دید صاحب نظران، بخش عمده نا به سامانی های گذشته بدوش افراد شامل این لست قرار دارد. فساد گسترده که همه بخش های دولت را تحت پوشش قرارداده است، کم کاری و ضعف حکومت، فقر و مشکلات دیگر نتیجه کار آن هاست.

بنابراین نشست های کنونی شورای ملی اهمیت فراوان داشته و چشم ها به سوی این شورا دوخته شده است. آیا نمایندگان مردم می توانند به این انتظارها پاسخ مثبت ارائه کنند؟

آن طوری که دیده شد، طرح مسایل از سوی نمایندگان در رابطه با نامزد وزیران چندان دلگرم کننده نبود، برخی از نمایندگان به جای طرح سوال ها و بحث های سازنده از نبود چوکی در مکتب فلان قریه و یانبود دیوار برای کلینک فلان ولسوالی یاد کردند. طرح چنین مسایلی به مفهوم ارایهٔ پیشنهاد است تا در آینده این پیشنهاد را وزیر در نظر داشته جهت کمپاین وکیل، برای مکتب قریه وی چوکی تهیه کند.

لازم بود نمایندگان از نامزد وزیران تقاضا می کردند طرح های کلان استراتژی های خویش را جهت بهبودی وضعیت و ایجاد اصلاحات ارائه می نمودند. و یا این که عمده ترین ضعف های وزرا را مشخص می ساختند و از آن ها می خواستند تا برنامه های خویش را جهت رفع این ضعف ها ارائه نمایند.

برخی از وزرا مسؤولیت ناکامی حکومت در هشت سال گذشته را به عهده دارند. موارد بی شمار فساد، تطبیق نکردن پروژه ها، عدم توازن در برنامه های انکشافی، تبدیل کردن وزارت به دفتر فلان حزب یا نمایندگی فلان ولایت و موارد دیگررا می توان در مورد این وزیران مطرح کرد، اما این بحث ها به ندرت عنوان گردید.

شماری از نمایندگان به علت وابستگی های قومی و سیاسی، از طرح بحث های جدی پرهیزکردند و در صدد بودند تا وزرای مورد نظرا آنان با آن که فاقد شایستگی هستند، رای ببرند و مجددا برکرسی وزارت ها تکیه بزنند.

برخی دیگر به دنبال کسب امتیازاتی از حکومت و وزرای پیشنهادی بوده، با معامله های که با وزرا انجام دادند، از طرح بحث های جدی شانه خالی کردند، حتی با عنوان کردن موضوعات پیش پا افتاده در پارلمان جو سازی می کردند و جلو این گونه بحث ها را گرفتند.

رفتن به دنبال منافع قومی و گروهی، مهمترین نقطهٔ منفی پارلمان بوده است که در گذشته شمار قابل توجهی نمایندگان به همین علت نتوانستند موضع گیری های مثبتی داشته و پارلمان را در اتخاذ تصامیم جدی در مورد مسایل کلان، مطابق منافع ملی کمک کنند.

شماری دیگر از نمایندگان به علت بی سوادی و مشغولیت های دیگر، تا هنوز نتوانستند روی مسایل عمدهٔ ملی فکرکنند و افکار خود را در زمینه منسجم سازند. این گروه از درک و طرح بحث های اصولی عاجزند به این علت، آن ها فکر می کنند، مهمترین مساله همان چوکی مکتب فلان قریه است اما این که وزیر برای ریشه کن کردن فساد در وزارت و یا بهبودی وضعیت کلی معارف، چه برنامه روی دست دارد، برای شان قابل درک نیست.

با این وجود، برای این که شورای ملی بتواند مطابق نیازهای مردم و کشور، به وزرای که در ناکامی های حکومت گذشته افغانستان نقش داشته و شایستگی تکیه زدن به پست وزارت را ندارند، رای منفی بدهند امید چندانی دیده نمی شود. بلکه ممکن است سرانجام، کابینه پیشنهادی آقای کرزی رأی اعتماد بدست آورد و تغییری در وضعیت رونما نشود، اگرچه ممکن است شماری از وزیران موفق به گرفتن آرای کافی نشوند، اما تعدادی این ها شاید اندک باشد و تاثیری مهمی در ترکیب کابینه پیشنهادی آقای کرزی به میان نیاید.

دانستن این حقیقت برای نمایندگان لازم است که، آن ها مشغول بحث روی مساله مهمی بوده و با یکی از عمده ترین وظایف خویش روبرو می باشند، در صورتی که مانند گذشته آنها نتوانند تصمیم درستی اتخاذ کند و بازهم به برنامه های اشتباه آمیز حکومت صحه بگذارند. اعتماد مردم را ازدست خواهند داد. و مجلس کنونی به عنوان یک پارلمان ضعیف و ناکارآمد به ثبت خواهد رسید.

۶ جدی و سوال های ..:

که این انتقالات همه به سود و کمک اوست؟

آیا امین واقعا عضو استخبارات امریکا بود؟ طوی که پس از ۶ جدی توسط کارمل وشوروی ها ادعا شد! اگر چنین بود، پس چرا از اقدامات و زمینه سازی های قبلی شوروی ها جلوگیری و ممانعت نکرد؟

۶- آیا راست است که پس از برخورد مسلحانه طرفداران تره کی و امین در ارگ، اسلم وطنجار، مزدوریار واسدالله سروری به سفارت شوروی پناه بردند و بعد در داخل تابوت ها- که گویا تابوت های سربازان شوروی است- به ماسکو برده شدند. آیا امین از این همه تحرکات بی اطلاع بود؟ اگر نبود چه اقداماتی کرد؟

۷- آیا واقعیت دارد که تره کی در جریان سفر به کیوبا جهت شرکت در اجلاس غیر متعهد ها و توقف در ماسکو به دستور شوروی آمادهٔ آشتی با ببرک و کنارگذاشتن امین شد و این موضوع، جریان سقوط او را سرعت بخشید؟

۸- آیا قبل از ۶ جدی و آوردن ببرک به کابل، تره کی و امین هر کدام از شوروی ها خواسته بودند تا به افغانستان لشکربکشند و انقلاب ثور را نجات بدهند؟

۹- آیا درست است که روس ها حامی کودتای شهنواز تنی بودند او و یارانش پس از ناکامی کودتا قصد داشتند تا به شوروی بروند ولی روس ها اجازه ندادند و از روی ناگزیری به پاکستان پناهنده شدند؟

درمورد سوال های فوق و ده ها سوال دیگر طی سالیان گذشته توسط افراد مختلف وعمدتاً اعضای بلند پایه سابق ضرب منحلهٔ دموکراتیک خلق، پاسخ داد شده و درکتاب ها، مقالات و یا مصاحبه های شان آمده است ولی برخی دیگر از این افراد، پاسخ های همسنگران و همقطاران سابق شان را نا درست خوانده وتکذیب کرده اند.

آنچه کاملا روشن و انکار ناپذیر است، تجاوز آشکار نظامی و لشکرکشی بیشرمانهٔ اردوی سرخ به افغانستان در ۶ جدی سال ۱۳۵۸ است. این تجاوز بنابرتوسل و اصرار تره کی، امین و یا ببرک کارمل صورت گرفته باشد و این که روس ها خود شان برای نجات گروه و رژیم وابسته به ماسکو، به کشورما تجاوز کرده باشند، هر دویکی است و جنایات بیشمار و تباهی و ویرانی کشور وشهادت و معلولیت میلیون ها افغان در اثر این تجاوز، هرگز از حافظهٔ زمان فراموش نخواهد شد.

جهاد قهرمانانهٔ مردم مسلمان و به پا خاستهٔ ما علیه تجاوزگران خارجی و وابستگان داخلی آنان وبالاخره پیروزی جهاد وشکست تجاوز و فروپاشی ابرقدرت جهانخوار سرخ ثبت صفحات تاریخ کشور و تاریخ جهان گردیده است.

کابینهٔ جدید آقای کرزی با انتقادات ...

ازسوی دیگر گفته می شود در ترکیب این کابینه مشارکت قومی به طور عادلانه در نظر گرفته نشده است. حبیبه دانش درمورد گفت: کشورهای که به بحران مواجه اند زمانی صلح وامنیت درآن ها برقرار می گردد که عدالت اجتماعی مراعات گردد، باید دولت مردان ما متوجه این ظرافت بوده ازدیگران درس بیاموزند.

به باور وی عدم درنظرگرفتن عدالت اجتماعی در تاریخ واپسین افغانستان عقده های زیادی را به بار آورده واین عقده ها طی سی سال بازشده است. سرانجام کشور را به این وضعیت کشانیده و فاصله های قومی به همین خاطر به وجود آمد که طبقات مختلف مردم محکوم ومظلوم واقع شده بودند.

حسین فهیمی نمایندهٔ مردم سرپل، می گوید: افراد معرفی شده محورهای عمده تصمیم گیرنده درکابینه های گذشته بودند واتهامات وارده مبنی برفساد علیه همین های است که امروز نیز درترکیب این کابینه حضور دارند.

فهیمی تصریح کرد، آنچه که مسلم است تغیراتی در روند کاری کابینه جدید پیش بینی نمی شود، چون عناصر تصمیم گیرنده همان عناصر پیشین اند، مگر این که آقای کرزی آنها را دریک شب غسل تعمید داده باشد ودیگر گون شده باشند. نماینده مردم سرپل افزود، نامزد وزیرانی که به شوری ملی آمدند کدام طرحی جدیدی هم با خود نداشتند، بنابرین وقتی عناصر، عناصر قبلی باشد وطرح وبرنامه هم تجربه شده باشد، نتیجه مثبتی را ازکارایی این کابینه پیش بینی نمی توان کرد.

او اضافه کرد در صورتی که نمایندگان مردم مسوولیت ها ومنافع مردم خود را درنظر بگیرند، نباید به این ها رأی اعتماد بدهند.

احمد بهزاد نمایندهٔ مردم هرات، ساختار کابینه پیشنهادی را یک ساختار قبیلوی دانست، وافزود با دیدگاه قبیله ی نمی شود منافع ملی را رهبری کرد.

بهزاد تصریح کرد، من فکر می کنم که وحدت ملی ومشارکت ملی در ردیف دیگر دروغ های آقای کرزی به حساب می آید. وی در مورد این که نقش شورای ملی در رد اعضای پیشنهادی کابینه چگونه است؟ افزود، تصمیم گیری های پارلمان افغانستان غیر قابل پیش بینی است، زیرا آقای کرزی چندین کارت در دست دارد و در مقاطع مختلف بخشی از پارلمان را باخود همراه می سازد، یکی از این کارت ها که همواره با آن بازی کرده است کارت قومی است، من فکر می کنیم حد اقل اگر پارلمان افغانستان دراین ماه های آخر عمر خود، اعاده حیثیت بکنند و شایستگی را درنظر بگیرند، باید این کابینه را دو باره به ارگ ریاست جمهوری برگردانند.

به باور آقای بهزاد، اگر به اساس کارت های قومی آقای کرزی ازسوی نمایندگان تعامل صورت بگیرد، هیچ بعید نخواهد بود که اکثریت این ترکیب رأی اعتماد را بدست خواهند آورد.

سلطان محمد اورنگ نمایندهٔ مردم ولایت بدخشان با انتقاد ازترکیب اعضای کابینه آقای کرزی گفت: رئیس جمهور با این کار خواسته در روز روشن در چشم مردم خاک بزند. وی افزود با توجه به پیشینه کار کردگی این آقایان تعهداتی را که امروز آنها در نزد نمایندگان مردم دارند، مانند در یخ نوشتن ودر آفتاب گذاشتن است.

او نقش حکومت ها را درتمام دنیا در تأمین وحدت ملی پراهمیت دانست وتأکید که کرد که حکومت افغانستان دراین مورد اعتماد اش را نسبت به مردم ازدست داده است.

هلال الدین هلال نمایندهٔ مردم بغلان در مورد ترکیب قومی کابینه گفت: درسیستم نظام سیاسی افغانستان امتیازاتی را قانونی اساسی به رئیس جمهور داده است و وی در انتخاب کابینه از این صلاحیت استفاده کرده، اما من به این باور هستم که این عمل کرد عادلانه نیست.

اوگفت: من دیروز ازآقای احدی پرسان کردم که به نظر شما دراین کابینه چقدر ترکیب ملی در نظر گرفته شده است؟ احدی به صراحت گفت ازیک خانواده سه نفر معرفی شده است که این فرایند بدون شک به بحران بی اعتمادی یکبار دیگر درمیان اقوام مختلف افغانستان دامن می زند.

قابل یاد آوریست اعضای کابینه جدید که ازسوی رئیس جمهور به شورای ملی پیشنهاد شده اند ۱۱ نفر شان درعین پست ها وسه نفر آنها قبلاً عضو کابینه بودند که درپست های دیگر پیشنهاد شده اند. بدین ترتیب مجموعاً از۲۵ وزیر ۱۴ تن آنها وزرای قبلی کابینه آقای کرزی می باشندُ

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و نهم ۵ جدی- ۱۳۸۸ – ۹ محرم الحرام ۱۴۳۱ 26- December 2009

عجیبه ده!

اتل پیلوټ

خپاند

په رښتیا سره چې زمونږ هیواد له عجایبو څخه ډک دی!

خلک نه پوهیږي چې کوم نظام او ارزښتونه چلیږی؟

اساسی قانون خو افغانستان د اسلامي جمهوریت په نوم یادوي.

د اساسی قانون په سریزه کې له جهاد او مقاومت څخه په ډیر ویاړ یادونه شوی ده...

خو تیره اوه نی د یو پیلوټ جسد د شپاړسو کلونو تیریدو سره، د تالااو برفک په سیمه کې وموندل شو او په خورا برم او عزت او عسکری درناوی په رسمی توګه دشهدای صالحین په هدیره کی خاوروته وسپارل شو!

دا پیلوټ څوک ؤ او څه وخت یی د اتلولي مډال اخستی و؟

دپیلوټ ژوند لیک ولوستل شو... ده د جهاد په وخت کی پرخلکو او مجاهدینو باندی ډیری بمباری کړی وې او شورویانو او دهغوی ګوډاګی رژیم ته د خدمت په بدل کی او دافغانستان د مظلومو خلکو د وژلو او دکورونو د ویجاړیدو په انعام کی ورته دوه ځلی د ملی اتل مډال ورکړ شوی ده!

په ژوند لیک کی راغلی وچی نوموړي پیلوټ په دیارلسوه دوه اویایم کال کی ددندی د ترسره کولو په لړ کی شهید !! شو...

دده دنده څه وه؟ په هغه وخت کی جهاد بریالي شوی و او دافغانستان اسلامی دولت جوړ او لازم مشروعیت یی لاره. نوموړی پیلوټ د اسلامی دولت سره په جنګ کی دیو یاغی او باغی پیلوټ په حیث، بیا هم د تیروبمباریو په لړ کی د (دجهاد له وخت څخه) اسلامي دولت او بی ګناه خلکو باندی بمباری کوله چی جنګی الوتکه یی نسکوره شوه اومړی یی ترتیرې اوه نی پوری لا درکه وه!

خدای خبر چې د هغه جسد څنګه روغ پاتی شوی چی دپیژندلو وړوی؟

عجیبه خو داده چی زمونږ دولت ولی له باغیانو ته ستاینه کوی او د ملحد رژیم او دشورویانو له خوا ورکړل شوي القاب او مډالونوته اعتبار ورکوی او د هغوی مړی په رسمی او عسکری مراسمو، خاورو ته سپاري!

ادامه سرمقاله ...

این پیش آمد که بیانگر آن است ما از تجربه های گذشته درسی نیاموخته ایم، فوق العاده مایهٔ تاسف می باشد. ناکامی این سیاست ها برای هیچ کس پوشیده نیست، سرانجام انحصار گرایی جز نارضایتی و بحران چیزی دیگری ببار نمی آورد و می تواند ما را با مصیبت های بزرگتری روبرو سازد. این امر باعث می شود، گروهای برای کسب حقوق خویش راه های غیر متعارفی را درپیش گیرند

لازم است کشور های درگیر در مسئلهٔ افغانستان و گروهی که اکنون همه قدرت مملکت را در چنگ خویش گرفته است، بخود بیایند و از درس های این دو واقعهٔ تاریخی درس بگیرند و آن را بکار ببندند. تا باشد کشور بسوی برود که همه مردم، امکان بیابند، بصورت برابر وبرادر وار با هم زندگی کنند. وما ذلک علی الله بعزیز

۶ جدی و سوال های که هنوز باقی است

فقیری



۶ جدی روزتهاجم نظامی ولشکرکشی اردوی سرخ به کشورما است.

امروز زمان آن فرا رسیده است که همه حقایق و واقعیت های تاریخی به دور از دوستی ها و دشمنی های دیروزی ما بیان وبرملا گردد. امروز دیگر اتحاد شوروی به حیث یک ابرقدرت جهانخوار وسلطه جو در صحنهٔ دنیا حضور ندارد وسال ها از فروپاشی ان می گذرد...

درمورد این که چرا شوروی به افغانستان لشکر کشید، از آن زمان تا امروز حرف های زیادی گفته و شنیده شده است...

درآن زمان شوروی ها آنان وابستگان شان درافغانستان ادعا داشتند که:

- مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان، تسلیح و تجهیز ضد انقلاب توسط غرب و دررأس امریکا وهمچنین عربستان سعودی، مصر، ایران، چین، و مهمتراز همه پاکستان، سبب شده است تا شوروی جهت کمک به مردم افغانستان و دفع وطرد و سرکوب شورشگران، قطعات محدود خود را به افغانستان بفرستد.

ولی سوال های بسیار مهم دراین رابطه، تا هنوز بی پاسخ مانده است:

۱- اگر انقلاب (کودتا) ثور از حمایت مردم برخوردار بود، دولت کودتایی یک دولت خلقی و مورد پشتیبانی خلق بود، چرا توده های وسیعی از مردم برضد آن قیام کردند؟

۲- اگر درسرحدات شرقی وغربی، قیام ها دراثر تحریک و مداخله پاکستان وایران صورت گرفت، پس چرا در سرحدات شمالی و درهمسایگی سرزمین شوروی نیز قیام هایی صورت گرفت که قطعاً نمی تواند دلیل مداخلهٔ خارجی و مورد حمایت کشورهای دیگر باشد، زیراکشورهای همسایه درشمال، همه از مستعمرات شوروی بود.

۳- هرگاه اردوی شوروی به کمک ونجات دولت دوست وبرادر(جمهوری دموکراتیک افغانستان) شتافته باشد، پس این کدام دولت بود؟ دولت حاکم حفیط ... امین؟ یا دولت ببرک کارمل؟ دولت حفیط .. امین که با تهاجم اردوی شوروی سرنگون شد وخود و به قتل رسید. دولت کرمل که هنوز تشکیل نشده بود وخود همراه با سربازان شوروی به کابل آورده شد.

۴- مردم کابل شاهد بودند که چندین شب قبل از۶ جدی، طیارات شوروی به میدان هوایی کابل و بگرام نشست داشتند، برای چه؟

آیا امین از آن اطلاعی نداشت؟ یا تصور و باورکرده بود

ادامه درص۷

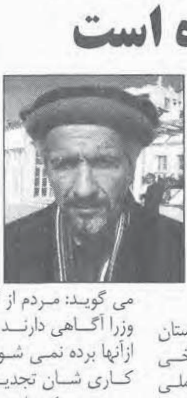
ترکیب کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی با انتقاداتی فراوانی روبرو شده است

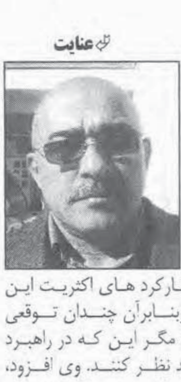
عنایت











بعد از مدت ها انتظار سر انجام هفتهٔ گذشته اعضای کابینه جدید آقای کرزی غرض اخذ رأی اعتماد به شورای ملی معرفی گردید.

موضوعی که پیش از اعلام این لیست برای مردم امیدوارکننده بود، این که گویا درترکیب کابینه چهره های جدید، با داشتن ظرفیت های کاری درپهلوی تعهد به منافع مردم، ازسوی رئیس جمهور معرفی می شوند.

اما متأسفانه درساختار کابینه به این امیدواری ها پاسخ ارائه نگردیده وباز هم با همان ساختارهای قبلی وهمان چهره های که اکثریت شان در گذشته وزیر بودند وباتمام پرسش های که درمورد کارکردها شان هنوز هم موجود است، باردیگر ازسوی رئیس جمهور نامزد شده اند.

همان طورکه شهروندان افغانستان درجریان هستند، چند روز است که برخی ازاین نامزد وزیران با حضور در شورای ملی ضمن تشریح برنامه ها به سوال ها وپیشنهادات نمایندگان مردم گوش فرا می دهند وانتظار می رود بعد ازختم این روند جریان دادن رأی اعتماد به آنها آغاز گردد.

سوال اساسی این است که آیا کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی با معیار های مانند تعهد، صداقت پاکی پیشینه خوب وموضوع توازن ترکیب قومی برابر است یاخیر؟ این موضوع را با نمایندگان مردم درشورای ملی درمیان گذاشتیم ودید گاه های آنها را درزمینه جویا شدیم

خانم حبیبه دانش نمایندهٔ مردم تخار می گوید: مردم از کارکرد های اکثریت این وزرا آگاهی دارند وبنابرآن چندان توقعی ازآنها برده نمی شود مگر این که در راهبرد کاری شان تجدید نظر کنند. وی افزود، درصورتی که این ها در رهبردهاشان تغییر بیاورند می شود با آنها اعتماد کرد.

درعین حال نمایندهٔ مردم تخار برخی کشورهای بیرونی را متهم به حمایت برخی نامزد وزیران ودست داشتن آنها به فساد دانسته اضافه کرد، این کشورها از وزرایی فاسد حمایت می کنند وبا نصب آنها در پست های کلیدی کمک های را که به نام مردم افغانستان صورت می گیرد، ازیک دست می دهند وبا دست دیگر در تبانی وهمکاری همین وزرا به کشور خود انتقال می دهند.

ادامه درص۷